

## متانت در سخن گفتن

۲ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ .

: ای افراد باایمان صدای خود را بلندتر از صدای پیامبر، نکنید و در برابر او بلند سخن گوید (فریاد نزنید) همانطور که با یکدیگر سخن میگوئید. تا با داس اسال شما بدون توجه از بین نرود .

۳ - أَنْ الَّذِينَ يَغْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ .

: آنهایی که از صدای خویش در (محضر پیامبر) می‌کاهدند، کسانی هستند که خداوند دلهای آنان را برای پرهیزگاری آزموده است، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است .

۴ - أَنْ الَّذِينَ يَنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ .

: آنانکه ترا از بیرون اطاق، بلند، صدا میزنند بیشترشان نمی‌فهمند .

۵ - وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لِهِمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

: اگر آنان صبر می‌کردند تا خود بیرون آئی برای آنها بهتر بود، خداوند آمرزنده و مهربان است .

طرز سخن گفتن با مردم، و معاشرت با طبقات مختلف جامعه و مراعات رموز اخلاقی در روابط خود با دیگران، یکی از بخشهای مهم «علم اخلاق» را تشکیل میدهد، و برخی از دانشمندان غرب که در کشف طرق نفوذ در مردم تجربیاتی دارند، رساله‌هایی درباره چگونگی «معاشرت با مردم» نوشته‌اند، و بسیاری از مطالب این دانشمندان، در احادیث اسلامی بطرز روشنتری وارد شده است، ولی متأسفانه نویسندگان خوش‌قربحه ما نخواستند این آداب را که در آثار اسلامی آمده است، به‌مورت روز پسند و آمیخته با شواهد و جریانات روز، در آورند،

تأمل جوان که تمسکینیدن این نوع مکتب اخلاقی میباشد، تصور نکنند که ابتکار این مطالب بدست غریبان بوده است بلکه بدانند پیامبر اسلام و جانشینان او در این قسمت ما را راهنماییهای زیادی فرموده اند.

مؤلف و محدث بزرگ اسلامی مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسائل التمهیه (ج ۸) در طی ۱۶۶ فصل در صفحات ۳۹۸ - ۶۲۱ احادیث زیادی درباره وظیفه یک فرد مسلمان در طرز معاشرت با مردم، از پیامبر اکرم و اهل بیت گرامیش نقل کرده است و بنام «احکام العشرة فی السفر والحضر» نامیده است.

تنها این روایات نیست بلکه طرز معاشرت خود پیامبر، بهترین و احسن و بزرگترین آموزگار ماست، و ما بطور اجمال نمونه ای از طرز رفتار و معاشرت آنحضرت با مردم در این - جا نقل مینمائیم:

او در سلام کردن بر مردم سبقت نمیدود، اگر میخواست با کسی در کوچه ای و یا مجلسی سخن بگوید، با گوشه چشم نگاه نمیکرد، بلکه با تمام بدن با او دور میشد و سخن میگفت، و همواره تبسم بر لب داشت، اگر کسی در سخن خود خطا میکرد او را مؤاخذه نمینمود، کسی از خوشحالی و خوشرویی او محروم نبود، و اگر کسی از ایران وی مدتی غایب میشد، فوراً از او تقدیم میفرمود و از تمام طبقات احترام کامل بعمل میآورد، با شوری که هر فردی تصور نمینمود که عزیزترین فرد نزد پیامبر او است، در مجلسی برای خود جای مخصوصی قرار نمیداد و هر کجا که جای خالی بود می نشست، حواصلی نیامندان را بر طرف نمیکرد و اگر امکان نداشت، بازبان خوش آنوار ارازش میساخت، حیاء و ابیت و راستی خاصی بر مجلس او سایه افکنده بود و سعاد آن بلند نمیشد، مگر با ادب افراد این اطلاع و غریب را تحمل میفرمود، و اگر کسی کاری انجام میداد، که مطابق طبیعت نبود، از آن تعادل میوزید. بزرگان را احترام میکرد، و خردسالان را رازش میداد. کمتر سخن میگفت، سخن کسی را قطع نمینمود، کسی را سرزنش نمیکرد، چیزی یکسود نداشت از آن بر عزم نمیشود، به سخنان مردم خوب گوش میداد... صفات حمیده و ملکات فاضله دیگر داشت که در کتابهای سیره و تاریخ اسلام منعکس است، و بسیار آموزنده و مایه عبرت میباشد.

### جامعه خشن

یک چنین روح لطیف و آزاده گرفتار محبلی شده بود که از بسیاری از مزایای اخلاقی دور بودند، و با شخصیتی مانند رسول اکرم طوری سخن میگفتند، که گوئی با یک فرد چوپان حرف میزنند.

در سال نهم هجرت که آنرا «عام الوفود» مینامند، و هیئتها و دسته های مختلفی از قبایل اطراف برای تشریف به اسلام بمدینه آمده بودند، و وقتی وقت پشت دروازه ای پیامبر که با مسجد چندین فاصله نداشت میایستادند، و فریاد میکشیدند که: «یا محمد اخرج» (ای محمد

از اطالی بیرون بیا) (۱) اینکار علاوه بر اینکه استراحت رسوا خدا را بهمیزد، یک نوع بی - احترامی به شخصیتی مانند پیامبر بود، و لذا قرآن در آیه چهارم این سوره از چنین عملی نهی کرد و مرتکبین آنرا کفریم و بیخرد شمرده است.

اونه تنها در این قسمت از آداب معاشرت، از بیگانگان و غریبای بیایان ناراحتی داشت بلکه یاران و اصحاب نزدیک آنحضرت هم ادب درس خن را در محضری مراعات نمیکردند بخاری محدث معروف جهان تشن مینویسد عیثی بنایندگی از قبیله «بنی تمیم» وارد مدینه شدند هر کدام از ای بیگرو عمر شخسر را برای ملاقات با آنها معین نمود، اختلاف آنان در تبیین آن فرد منجر به متناجره شد، و داد و فریاد آنان در محضر پیامبر، باعث نجنش خاطر او گردید، برای جلوگیری از تکرار این حرکات ناشایست در محضر آن پشوا بزرگ آید دوم و سوم فاذل گردیدند و نتیجتاً این عمل باید شمرده که نتیجه آن حیضا اعمال معرفی گردید (۲)

اصولاً باید دید چرا این نوع بی احترامی، در محضر پیامبر سبب نابودی پادشاهی اعمال میگردد، زیرا توفیر و احترام از نظر ظاهر، حتی طرز سخن گفتن در محضر او و یا با او، حاکی از یک احترام باطنی نسبت به پیامبر، میباشد، و نا گفته نماند، حرکات و اعمال نازل شده عقیدت و ارب ایمان ماست، و با تصور یک چنین حرکات ناشایست در بی اعتنائی به چنین شخصیت حتماً از یک بی اعتنائی قلبی به شخص پیامبر و مقدسات مذهبی حکایت خواهند نمود.

### این احترامات مخصوص زمان حیات پیامبر نیست

اگر پیامبر در حال حیات احترام دارد پس از وفات نیز همان احترام را خواهد داشت، حتی موقتی که عقیقه در جهادت حسن بن علی رخ، در کنار قبر پیامبر سرودا را انداخت، و بکمک هسته ای از دهن فرزند پیامبر در کنار قبر جدش جلوگیری بعمل آورد، حسین بن علی برای خاموش کردن دهن این آیه را خواند: «یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی پس این جمله را فرمود ان الله حرم من المؤمنین امواتنا ما حرم منہم احیاءاً خداوند هر چقدر که در حال زندگی مؤمن بر ای او قائل شده، در سال عمت نیز آن حق را باو داده است (۳)

همانطور که دانشمندان از این آیه فیمیده ندانند این قبیل احترامات اختصاص به پیامبر اعظم ندارد، بلکه باید، در باره پشوا یان اسلام، و علماء و اساتید و پدران و مادران و عموم بزرگان این گونه احترام بعمل آید، بالاخص در حریمها و آستانه های مقدس از دادزدن و فریاد کشیدن و امثال آن باید خودداری نمود.

امام سآله «حیظ» در اعمال که در آیه دوم بان اشاره شده است از آنجا که یک مسآله دانندنداریست، در فرست مناسبتری به آن اشاره خواهیم نمود.

(۱) نور الثقلین ج ۵ ص ۸۰

(۲) التاج ۴ ص ۲۱۳ - ۲۱۴

(۳) نور الثقلین ج ۵ ص ۸۰ - ۸۱